

اصول کارشناسی

علی محمودیان *

سید احمد میر خلیلی **

چکیده

در قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی، برای نظری که کارشناس اعلام می‌کند، شرایطی ذکر شده است که اعتبار نظر کارشناس منوط به رعایت آن شرایط است. بنابراین کارشناس مکلف است اصول کارشناسی از قبیل صریح، موجه، قاطع، مطابق بودن با قرار کارشناسی، عدم مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، کامل بودن، کتبی بودن و رعایت مهلت مقرر، مشکوک نبودن و متعارض نبودن را در آن رعایت کند. اعتبار نظر کارشناس مشروط به وجود شرایط آن است و قاضی در صورتی که نظر کارشناس، واجد شرایط قانونی نباشد، به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. ماده ۲۶۵ ق.ا.د.م، را نمی‌توان قاعده عام دانست بلکه ماده یادشده در مقام بیان یکی از شرایط اعتبار نظر کارشناس یعنی عدم مخالفت با اوضاع و احوال معلوم و مسلم مورد کارشناسی است و در تعیین اعتبار نظر کارشناس لازم است علاوه بر ماده مذکور، سایر مواد ق.ا.د.م و قوانین دیگر را نیز مورد توجه قرارداد.

واژگان کلیدی: ابلاغ، اعتراض، جهات رد، شرایط نظر کارشناس، میزان اعتبار نظر کارشناس، نظر کارشناس.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات یزد، دانشکده علوم اسلامی، گروه حقوق خصوصی، ایران.

Ali.mahmoudian66@gmail.com

** استادیار دانشگاه یزد.

DMIRKHALI@gmail.com

مقدمه

کارشناسی یکی از ادله اثبات دعوی محسوب شده و امروزه کمتر پرونده‌ای را می‌توان یافت که در آن، کارشناسی مورد استناد و استفاده قرار نگرفته باشد. دلیل این مطلب، وجود مسائل فنی و تخصص در بیشتر پرونده‌های دادگستری است که رجوع به کارشناس و جلب نظر آن را ضروری می‌سازد، به گونه‌ای که در کمتر پرونده‌ای قاضی می‌تواند بدون کمک گرفتن از کارشناس به حقیقت موضوع پی برده و رأی پرونده را صادر نماید. از طرفی به علت فنی بودن موضوعاتی که به کارشناسی ارجاع می‌شود و به خاطر عدم آگاهی و آشنا نبودن قاضی نسبت به آن موضوعات، در عمل قاضی راهی غیر از اعتماد بر نظر کارشناس ندارد و سرانجام حکم خود را بر نظر کارشناس مبتنی می‌سازد. تا جایی که گاهی این‌گونه تلقی می‌شود که نظر کارشناس، تعیین‌کننده حکم پرونده و سرنوشت آن است. در واقع کارشناس، موضوع شناسی و دادرسی، حکم یابی می‌کند و حکم واقعه را با حصول شرایط دیگر بر موضوع حمل می‌کند در قوانین موضوعه چه قدیم التصویب و چه جدید التصویب موضوع رجوع به خبرگان و کارشناسان و اعتبار گزارش آنان و شرایط و صلاحیت علمی و اخلاقی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است و لیکن قانون‌گذار مبنای واحدی را در شرایط و ضوابط لازمه به جهت اعتبار نهادن به نظریات خبرگان و کارشناسان انتخاب ننموده، بلکه به طور پراکنده شرایط و ضوابط خاصی را در آن‌ها لازم دانسته است.

به خاطر همین اهمیت و نقش اساسی است که توجه به قواعد مربوط به کارشناسی برای اجرای صحیح آن‌ها لازم است. بر این اساس در ارجاع به کارشناس و انتخاب آن و ترتیب اثر دادن به نظر کارشناس، لازم است که شرایط قانونی رعایت شود؛ بنابراین با توجه به این قوانین کارشناس مکلف است اصول کارشناسی (شرایط اعتبار نظریه کارشناس) را رعایت نماید و الا نظریه ابرازی مخدوش و قابلیت استناد ندارد.

سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- نظریه کارشناس باید حاوی چه شرایطی باشد تا قابلیت استناد را داشته باشد؟ سؤال اصلی.
- ۲- در پرونده کیفری ابلاغ نظر کارشناس رسمی دادگستری به متهم یا شاکی به چه نحوی

صورت می‌گیرد؟ سؤال فرعی

۳- در صورت اعتراض از ناحیه طرفین به نظر کارشناس دادگاه تا چه زمانی می‌تواند اعتراضات را پذیرفته و کارشناسی را تکرار نماید؟ سؤال فرعی

۴- در چه صورتی کارشناسان رسمی باید از مبادرت به انجام کارشناسی امتناع نمایند؟ سؤال فرعی.

۵- در حقوق ایران نظر کارشناس تا چه حدی برای دادگاه حجیت دارد؟ سؤال فرعی.

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱- در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس لازم است شرایطی از قبیل صریح، موجه، قاطع، مطابق بودن با اوضاع کارشناسی، عدم مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم کارشناسی، کتبی بودن و رعایت مهلت مقرر، مشکوک نبودن و متعارض نبودن در آن رعایت شود.

۲- با توجه به این که نظر کارشناس نفیاً یا اثباتاً در وضعیت شاکی و متهم مؤثر یا ممکن‌التأثیر است، بنابراین ابلاغ نظریه کارشناسی به طرفین ضروری به نظر می‌رسد.

۳- تشخیص کفایت کارشناسی از جهت تکرار با دادگاه است؛ و دادگاه تا هر زمان که تکرار کارشناسی را لازم بداند، اعتراضات را مورد پذیرش قرار داده و موضوع را به هیئت دیگری ارجاع خواهد داد.

۴- در صورت فقدان شرایط قانونی مانند تخصص و مهارت یا وثوق، کارشناس باید از اقدام خودداری کند. همچنین در صورت وجود شرایط، با وجود جهات رد، کارشناس مکلف به اعلام جهت رد و خودداری از اقدام است.

۵- در حقوق ایران نظر کارشناس در صورتی حجیت دارد که مورد وثوق قاضی باشد و قاضی مکلف به قبول آن نیست.

روش ما در این مقاله روش کتابخانه‌ای است و سعی شده است در قالب یک تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوعات بپردازیم.

این مقاله مشتمل بر چهار عنوان اصلی می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱. اعلام و ابلاغ نظر کارشناس

۲. اعتراض به نظر کارشناس

۳. شرایط اعتبار نظر کارشناس

۴. میزان اعتبار نظر کارشناس

۱- نظر کارشناس

با انجام کارشناسی، نتیجه‌ی آن باید به دادگاه اعلام شود و کارشناس مستحق دریافت دستمزد می‌شود. پس از انجام کاوش‌ها و تحقیقات کارشناسی، کارشناس باید نظر خود را به دفتر دادگاه تقدیم نماید. در نوشته حاوی نظر کارشناس باید خلاصه‌ی کاوش‌ها و تحقیقات انجام شده درج شود. این معنا از ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی برداشت می‌شود. از سوی دیگر در نوشته مزبور باید ارتباط بین عملیات انجام شده و نتیجه‌ای که از آنها گرفته شده روشن بوده و حاصل «موضوعی» کاوش‌ها و تحقیقات و تصدیقات کارشناس، به شکل «نظر کارشناس» در آن ارائه می‌شود. در حقیقت کارشناس تنها می‌تواند جنبه «موضوعی» اقدامات خود را اعلام نماید و حق اظهارنظر نسبت به جنبه‌ی «حکمی» (قانونی) قضیه که وظیفه دادرسی است، ندارد. (شمس، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۲۹ - ۳۳۰)

۱-۱- اعلام نظر کارشناس

در قانون آیین دادرسی مدنی، در مواد ۲۶۰ و ۲۶۲ بر لزوم اعلام نظر کارشناس در مهلت مقرر تأکید شده است و در ماده ۲۶۲ مقرر شده که کارشناس نظر خود را «کتباً» اعلام نماید. بنابراین قانون مذکور، کتبی بودن نظر کارشناس را لازم شناخته است. اما در قانون آیین دادرسی کیفری، ماده‌ای که به طور قاعده، لزوم کتبی بودن اعلام نظر را مقرر کرده باشد یافت نمی‌شود. بلکه در ماده ۸۴ آن قانون مقرر شده: «قاضی مکلف است پرسش‌های لازم را از اهل خبره به صورت کتبی یا شفاهی به عمل آورده و آن را در صورت مجلس قید نماید...» از این ماده استنباط می‌شود که اعلام نظر کارشناس در امور کیفری لازم نیست کتبی باشد. بلکه ممکن است به صورت شفاهی بوده و در صورت مجلس قید شود. با وجود این ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد خاصی، کتبی بودن اعلام نظر را مقرر کرده است. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۹ / خمسه اصغر، ۱۳۹۰: ۱۶)

گزارش کارشناس حتماً باید امضا شده باشد و این امر حتی در مواردی که موضوع به چند کارشناس ارجاع شده باشد نیز ضروری است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۵۴) در صورت تعدد نظر کارشناس، به دلالت ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی، پس از انجام کارشناسی، مشاوره با حضور آنها انجام و در صورت لزوم در جلسه‌ای که تشکیل می‌شود، نظر کارشناسی تنظیم و به امضای آنها می‌رسد. تشکیل جلسه برای تنظیم نظریه، در صورتی است که تمامی کارشناسان حاضر به امضای آن نباشند؛ زیرا از این راه خودداری احتمالی کارشناس از اظهار نظر یا امضای رأی مشخص می‌شود. در صورت تعدد کارشناسان، نظر اکثریت برابر ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره آن «در صورتی که از نظر تخصص با هم مساوی باشند»، ملاک عمل خواهد بود. اگر در موردی که رسیدگی و معاینه با حضور هر سه نفر کارشناس به عمل آمده باشد نهایت یکی از آنها معاینه بیشتری را لازم بدانند و از جهات نقص معاینه با نظر آن دو موافقت نکند نظر اکثریت منطاب اعتبار خواهد بود. (متین دفتری، ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، حکم شماره ۱۹۰، مورخ ۱۳۲۳/۳/۹ شعبه ۳ دیوان عالی کشور)

کارشناس پس از تنظیم و امضای نظر خود، باید آن را در مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم نماید و نسخه‌ای از نظر را دست کم تا مدت پنج سال از تاریخ تسلیم، نزد خود نگه دارد. بدین وسیله کارشناس می‌تواند از تحریف نشدن نظر خود در رأی، مطمئن شود. (مواد ۲۶۰ و ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری)

۱-۲- ابلاغ نظر کارشناس

به موجب ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ابلاغ وصول نظر کارشناس به طرفین، لازم است و «طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه نظر کارشناس چنانچه مطلبی دارند نفیاً یا اثباتاً به طور کتبی اظهار نمایند». بر این اساس، طرفین در صورتی که اعتراضی به نظر کارشناس داشته باشند، باید ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ وصول نظر و به صورت کتبی، اعلام نمایند.

ابلاغ وصول نظر کارشناس، به خاطر این است که طرفین از وصول نظر مطلع شوند و بتوانند با حضور در دفتر دادگاه و ملاحظه نظر، در صورتی که اعتراضی دارند، اعلام نمایند. به همین خاطر است که قانون‌گذار، ابلاغ وصول نظر را الزامی کرده است. این الزام شامل تمام مراحل کارشناسی می‌شود؛ بنابراین در مراحل بعدی کارشناسی (هیئت سه نفره و پنج نفره...) نیز، وصول نظر کارشناسان، باید به طرفین ابلاغ شود زیرا اطلاع یافتن اصحاب دعوی از نظر کارشناسی و

اعلام اعتراضات خود، حق آنها است و دادگاه نباید آنها را از این حق محروم نماید. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۴)

دیوان عالی کشور (شعبه سوم) نیز رأی شماره ۵۳۵ - ۷۱/۸/۲۷، عدم ابلاغ وصول نظر کارشناس را موجب تقویت حق اعتراض دانسته و از این جهت ایراد گرفته است. (بازیگر، ۱۳۸۰: ۲۴۱) در جلسه قضاات محاکم نیز اکثریت، ابلاغ وصول نظر کارشناس را ضروری شناخته‌اند و عدم ابلاغ را موجب ایراد بر رأی دادگاه از جهت شکلی دانسته‌اند. با وجود این، دسته‌ای از گروه اقلیت بر این باور بوده‌اند که «برای اطلاع از نظر هیئت سه نفره، قانون تصریح به ابلاغ نکرده است، پس در صورتی که به طرفین نیز ابلاغی صورت نگیرد، ایرادی بر حکم دادگاه وارد نخواهد بود». (دفتر تحقیقات و پژوهش‌های قضایی و واحد تهیه و تدوین متون آموزشی، ۱۳۸۱: ۷۸)

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که در پرونده کیفری ابلاغ نظر کارشناس رسمی دادگستری به متهم یا شاکی به چه نحوی صورت می‌گیرد؟ آیا ابلاغ به هر دو طرف الزامی است؟ با توجه به این که نظر کارشناس نفیاً یا اثباتاً در وضعیت شاکی و متهم موثر یا ممکن‌التاثير است، بنابراین ابلاغ نظریه کارشناسی به طرفین ضروری به نظر می‌رسد. وقتی که موضوع پرونده جنبه تخصصی رشته خاصی مانند جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری حسب موضوع پرونده و یا جلب نظر پزشکی قانونی، مرجع تحقیق اقدام لازم در جلب نظر آنها اقدام می‌نماید. در قانون آیین دادرسی در امور مدنی طبق حکم ماده ۲۶۰ قانون مذکور پس از ابلاغ نظریه کارشناس هر یک طرفین دعوا نفیاً و یا اثباتاً به طور کتبی اظهارنظر نمایند. در رابطه با ابلاغ نظریه کارشناس و یا پزشکی قانونی در امور کیفری اگرچه به نظر می‌رسد ماده خاصی در این رابطه پیش‌بینی نشده است لیکن بناء به مستندات ذیل لزوم ابلاغ نظریه کارشناس الزامی و از قواعد آمره محسوب می‌گردد.

۱- در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی در امور کیفری موضوع اتهام و دلایل اتهام را به طور صریح به متهم تفهیم می‌نماید لذا یکی از دلایل اتهام می‌تواند نظریه کارشناس باشد موضوع یکی از مفهوم و معنی تفهیم ابلاغ دلایل می‌باشد به عبارت دیگر متهم باید بداند چه مدارک و دلایلی علیه وی می‌باشد که متقابلاً دفاع نماید در بحث دفاع اگر متهم نظریه کارشناس را قبول نداشته باشد چاره‌ای جز به ارجاع به هیأت کارشناسی متصور نمی‌باشد.

۲- در ماده ۱۹۳ همان قانون نیز که در مقام نحوه تحقیق از متهم و شاکی و استماع دلایل آنها نیز مفید مراتب معروضه در بند ۱ می‌باشد؛ و نظر به اینکه در مورد ابلاغ در امور کیفری (به جزء موارد استثنایی) از قواعد ابلاغ در آیین دادرسی تبعیت می‌نماید لذا در ابلاغ نظریه کارشناس به شاکی و متهم مانند ابلاغ در قانون آیین دادرسی در امور مدنی خواهد بود.

اشاره به این مطلب نیز لازم است که اگرچه دلایل اتمام در مرحله تحقیق و یا جلسه دادگاه به متهم تفهیم می‌گردد مع الوصف به لحاظ جلوگیری از اطاله دادرسی و عرف و رویه معمول در محاکم نظریه کارشناس قبلاً به متهم و شاکی ابلاغ می‌گردد که چنانچه اعتراضی دارند تشریفات قانونی آن طی شده و پرونده امر هنگام اخذ آخرین دفاع از متهم و یا در جلسه دادگاه هنگام تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع اظهار بی‌اطلاعی از محتویات نظریه کارشناس ننمایند و با این وسیله موجبات اطاله دادرسی را فراهم ننمایند. قرار کارشناسی از قرارهای اعدادی یا مقدماتی است و بنابراین از حیث شیوه‌ی تنظیم، ابلاغ و آثار مشمول همان قواعدی است که درباره‌ی این دسته از قرارها در قانون آیین دادرسی مدنی حکم فرماست.^۲ (شمس، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۲۳)

۱-۳- اعتراض به نظر کارشناس

ارجاع امر به کارشناس برای تشخیص امور موضوعی دعوا و بنابراین صدور رأی مقتضی می‌باشد که هر دو وظیفه‌ی دادگاه است؛ درعین حال نظر کارشناس می‌تواند بر اصل و یا میزان حقوق طرفین دعوا اثرگذار باشد؛ در نتیجه نه اصحاب دعوا می‌توانند به نظر کارشناس اعتراض نمایند بلکه دادگاه نیز حتی در صورت عدم اعتراض، می‌تواند از نظر کارشناس پیروی ننماید. در حقیقت به موجب ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی، پس از رسیدن نظر کارشناس به دفتر دادگاه، باید مراتب به طرفین ابلاغ شود که می‌توانند «... ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه‌ی نظر کارشناس چنانچه مطلبی دارند نفیاً یا اثباتاً به طور کتبی اظهار نمایند...» اعتراض به نظر کارشناس حق طرفین است که می‌توانند اعمال نمایند، اگرچه کارشناس با تراضی انتخاب شده باشد.

نظریه شماره ۷/۳۶۱۴ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه اعلام کرده: «کارشناسی به عنوان یکی از دلایل برای قاضی طریقیست دارد، بنابراین اگر نظر کارشناس با اوضاع و احوال مسلم قضیه مغایرت و مباینت نداشته باشد قابل ترتیب اثر است و اصولاً تشخیص صحت

اظهار نظر کارشناس به عهده مقام قضایی است و اعتراض به نظر کارشناس یا هیأت کارشناسی وقتی قابل ترتیب اثر است که مبتنی بر ایراد و اشکال موجه باشد و در این صورت موضوع به کارشناسان دیگر ارجاع می‌شود. اما چنانچه اعتراض به نظریه کارشناس کلی و بدون ذکر علت موجه باشد و نظریه کارشناس فاقد ایراد و با اوضاع و احوال مسلم قضیه هم مغایرت نداشته باشد، اعتراض به نظریه کارشناس قابل ترتیب اثر نیست و قانوناً موجهی برای ارجاع به هیأت‌های بعدی کارشناسی به جهت این اعتراض نیست».

۱-۳-۱- اثر اعتراض به نظر کارشناس

در غالب موارد پس از صدور قرار کارشناسی و اظهار نظر از سوی کارشناس مربوطه، طرفی که از نظر کارشناسی متضرر شده و رأی کارشناس مطلوب او نیست، به این نظریه اعتراض نموده و خواستار ارجاع امر به کارشناسان دیگری می‌گردد. رویه معمول محاکم بر این منوال است که پس از هر بار اعتراض به نظر کارشناسی، به صورت فرد تعیین کارشناس می‌کنند. بدین توضیح که در صورت اعتراض به نظر کارشناس اول (یک نفره)، موضوع به هیئت ۳ نفره ارجاع می‌گردد؛ و چنانچه یکی از طرفین یا هر دو طرف به این نظریه معترض باشند، در مرحله‌ی بعدی هیئت ۵ نفره انتخاب می‌شود؛ و اگر این نظر هم مورد اعتراض باشد، هیئت بعدی مرکب از ۷ نفر خواهد بود؛ و به همین ترتیب، ۹ نفره، ۱۱ نفره و ... سؤالی که در اینجا متبادر به ذهن می‌شود این است که این اعتراضات تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟ به عبارت دیگر با وجود اعتراض از ناحیه‌ی طرفین، دادگاه تا چه زمان می‌تواند اعتراضات را پذیرفته و کارشناسی را تکرار نماید؟ همچنین، دادگاه چه وقت باید از پذیرش اعتراض خودداری کرده و به نظریات واصله اکتفا نماید؟

در قانون آیین دادرسی مدنی پاسخ صریحی برای این پرسش نمی‌توان یافت؛ اما از مفهوم مواد ۲۶۰، ۲۶۳ و ۲۶۵ این قانون چنین مستفاد می‌گردد که تشخیص کفایت کارشناسی از جهت تکرار، با دادگاه است؛ و دادگاه تا هر زمان که تکرار کارشناسی را لازم بداند، اعتراضات را مورد پذیرش قرار داده و موضوع را به هیئت دیگری ارجاع خواهد کرد؛ اما آیا سپردن این تشخیص به دادگاه رسیدگی کننده که مکلف به رعایت اصل بی‌طرفی نیز می‌باشد، کار شایسته‌ای است؟

اهمیت تشخیص دادگاه زمانی بیشتر می‌شود که نظریه‌ی کارشناسی، یگانه دلیل اثبات دعوی است. بدون شک در چنین وضعیتی، اعتبار دادن به نظر کارشناسی، امری مهم و خطیر است که نهایتاً منجر به ذیحقی یا بیحقی یک طرف خواهد شد. در برخی از موارد طرفین چنان در وضعیت برابر قرار می‌گیرند که قطع جریان کارشناسی و اظهارنظر در خصوص دعوی بسیار مشکل است. فرض کنیم در خصوص پرونده‌ای که دلیل دیگری هم برای اثبات آن وجود ندارد، قرار کارشناسی صادر گردیده و کارشناس اول (یک نفره) نظر خود را به سود خواهان صادر نموده است. خواننده، به این نظریه اعتراض نموده و درخواست ارجاع امر به هیئت ۳ نفره را می‌نماید. دادگاه با پذیرش اعتراض، موضوع را به هیئت ۳ نفره ارجاع می‌نماید. هیئت ۳ نفره نظر کارشناس اول را مردود اعلام و به سود خواننده اظهارنظر می‌نماید. مجدداً از سوی خواهان به نظریه هیئت ۳ نفره اعتراض می‌شود و دادگاه ضمن پذیرش اعتراض، موضوع را به هیئت ۵ نفره ارجاع می‌نماید. ولی این بار هم نظریه به نفع خواننده اعلام می‌شود. خواهان مجدداً اعتراض می‌کند. هیئت ۷ نفره تعیین و در نظریه خود اعلام می‌دارد که نظریه‌ی قبلی مردود و خواهان ذیحق است.

حال اگر دادرسی بنخواهد در این مرحله، علیرغم اعتراضی که از سوی خواننده به نظریه‌ی هیئت ۷ نفره شده است، به کارشناسی پایان داده و مبادرت به انشاء رأی نماید، باید از کدام نظریه پیروی نماید؟ بدون تردید باید گفت: نظر هیئت ۷ نفره. البته رویه معمول محاکم نیز بر همین منوال است. (وبلاگ تخصصی فقه و حقوق. <http://law2.blogfa.com/cat-4.aspx>)

هرگاه به نظر کارشناس اعتراض موجه به عمل آید و دادگاه تشخیص دهد که اعتراض ناشی از ابهام نظر و یا نقص کاوش‌ها و تحقیقات کارشناس می‌باشد، با گرفتن توضیح از کارشناس و یا تکمیل آن، مورد اعتراض را بر طرف نماید؛ البته گرفتن توضیح از کارشناس یا صدور قرار تکمیل تحقیقات مستلزم اعتراض اصحاب دعوا به نظر کارشناس نمی‌باشد؛ بلکه دادگاه در هر مورد که گرفتن توضیح کارشناس یا تکمیل کاوش‌ها و تحقیقات او را لازم بداند، مورد تکمیل و توضیح را در صورت جلسه نوشته و به کارشناس اعلام و او را برای ادعای توضیح دعوت می‌نماید. تعیین جلسه دادرسی و دعوت اصحاب دعوا برای شنیدن توضیح کارشناس الزامی نیست. کارشناسی که علی‌رغم دعوت صحیح برای ادعای توضیح حاضر نمی‌شود، جلب خواهد

شد. ماده‌ی ۲۶۳ قانون آیین دادرسی، «در صورت لزوم تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح از کارشناس، دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. در صورت عدم حضور، کارشناس جلب خواهد شد. هرگاه پس از اخذ توضیحات، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌نماید».

بدین وسیله، نهایتاً تصمیم دادگاه قابل اجرا خواهد بود و در نتیجه در صورت عدم حضور کارشناس، دادگاه نمی‌تواند با انتخاب کارشناس دیگر، ابهامات و نواقص موجود در نظر کارشناس را برطرف نماید. البته هرگاه پس از گرفتن توضیحات کارشناس، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد با صدور قرار، تکمیل آن را به همان کارشناس یا کارشناسی دیگر واگذار می‌نماید. تشخیص ضرورت گرفتن توضیح از کارشناس به صلاحدید دادگاه واگذار شده که باید با محتویات پرونده و سایر تصمیمات او هماهنگی داشته باشد. (شمس، ۱۳۸۹، ج ۳، ۳۳۳)

۲- شرایط اعتبار نظر کارشناس

قانون‌گذار برای کارشناسی و نظر کارشناس شرایطی مقرر کرده است و برای اینکه نظر کارشناس معتبر باشد، وجود این شرایط در آن لازم است. بررسی این شرایط و احراز وجود یا عدم آن‌ها در اختیار قاضی است و قاضی بر اساس تشخیص وجود یا عدم شرایط در نظر کارشناس، به آن ترتیب اثر می‌دهد یا از ترتیب اثر دادن به آن خودداری می‌کند.

۲-۱- شرایط مستقیم نظریه کارشناسی

در ذیل ماده ۲۶۲ آیین دادرسی مدنی می‌خوانیم که «در هر حال اظهار نظر کارشناسی باید صریح و موجه باشد». ماده ۲۶۵ آیین دادرسی مدنی نیز مقرر می‌دارد که «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد»، قسمتی از ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری چنین مقرر می‌دارد «اظهار نظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص می‌گردد به طور کامل در آن منعکس نمایند» بنابراین منطوق مواد قانونی بالا حاکی از این امر است

که نظریه‌های کارشناسی در رشته‌های مختلف باید دارای ویژگی‌های تعریف شده در قانون برای آنها، باشد در غیر این صورت نمی‌تواند به عنوان یک اماره مورد استناد قرار گیرد و باید از آن عدول نمود. این ویژگی‌ها که به صورت مستقیم با گزارش کارشناس در ارتباطند در قسمت ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر کارشناس مکلف است اصول کارشناسی را که ذیلاً تبیین می‌گردد رعایت نماید و الا نظریه ابرازی مخدوش و قابلیت استناد ندارد.

۲-۱-۱- صریح بودن نظریه

از جمله معانی در نظر گرفته شده برای واژه «صریح» خالص، محض، ظاهر، بی‌پرده و پوست‌کنده می‌باشد و نیز لفظی که مقصود از آن فی نفسه روشن باشد، بر اثر کثرت استعمال، خواه از حیث حقیقت و خواه از حیث مجاز. (عمید، ۱۳۷۹: ۸۲۴) در ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، بر لزوم صریح بودن نظر کارشناس تأکید شده است. در تبصره ماده یک قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور (مصوب ۱۳۷۲) نیز، لزوم روشن بودن نظر پزشک قانونی و شرح مشهودات و معاینات و مبتنی بودن آن بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی، مورد تأکید قرار گرفته است. حقوق دانان نیز صریح بودن نظر کارشناس را از جمله شرایط لازم بر شمرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۴۴/مدنی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۵۱)

صریح بودن نظر به این معنی است که تمام توضیحات لازم در خصوص مورد کارشناسی، به نحو واضح و روشنی در آن بیان شوند، به گونه‌ای که نکته مبهمی باقی نماند. لازمه صریح بودن نظر، این است که در آن، به صورت مشروح و با الفاظ و تعابیری که برای افراد غیرمتخصص هم قابل فهم باشد، سابقه مورد کارشناسی و وقایع مربوط به آن و اقدامات و آزمایشات و معاینات و تحقیقاتی که کارشناس به عمل آورده و اسناد و مدارک و دلایلی که مستند نظر کارشناس بوده و همچنین استدلال‌های کارشناس، توضیح داده و بیان شود. در صورتی که نظر کارشناس، در خصوص هر یک از موارد مذکور ساکت باشد، این سکوت سبب ابهام در نظر کارشناس و خدشه‌دار شدن صراحت آن می‌شود. همچنین توضیحات کارشناس در خصوص موارد یادشده، لازم است که در حد کافی باشد. در غیر این صورت، نظر کارشناس متضمن اجمال خواهد بود. نتیجه اینکه نظر کارشناس لازم است، صریح و روشن باشد و ابهام یا اجمال نظر، با توضیحات حضوری کارشناس، یا تکمیل کارشناسی برطرف شود. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۲۰/حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

بزرگ‌ترین آفتی که نظریه کارشناسی را فاقد این ویژگی «صریح بودن نظریه» می‌سازد همانا مصلحت‌اندیشی و یا عدم اشراف علمی و فنی کارشناس به مورد کارشناسی است که به او ارجاع شده است که این ضعف، ساختار و شاکله نظریه کارشناسی را بر پایه‌ای سست و لرزان بنا خواهد نمود گاه می‌شود که ارائه نظریه صریح و بی‌پرده موجبات گرفتاری‌های گوناگونی را برای کارشناس به دنبال داشته باشد گاه ممکن است که کارشناس در بررسی موضوعی به یک نتیجه مطلوبی که اقتناع وجدان را در پی داشته باشد نمی‌رسد گاه ممکن است ارائه نظریه کارشناسی از نظر اقتصادی دودمان زندگی یکی از اصحاب دعوی را بر باد فنا دهد و موارد و مسائل گوناگونی دیگری که ممکن است بعضاً مانع از ارائه یک نظریه کارشناسی صریح و بی‌پرده گردد. قانون‌گذار با به‌کارگیری واژه «صریح» به دنبال مکلف نمودن کارشناس به ارائه نظریه خود با نادیده انگاشتن همه اهرم‌های بیرونی از هر جنسی که مانع از ارائه نظریه صریح و بی‌پرده است می‌باشد و کارشناس نیز باید بداند به میزان عدم برخورداری نظریه وی از صراحت و بی‌پردگی و شفافیت، آن نظریه می‌تواند در تضييع حقوق اصحاب دعوی مؤثر واقع شود چرا که هرچه گزارش از صراحت بیان کمتری برخوردار باشد زمینه را برای تفسیر از سوی کسانی که به دنبال بهره‌برداری خود از نظریه کارشناس هستند مهیاتر می‌سازد. (بخارانی، غلام‌رضا، ۱۳۸۹، <http://www.aria-law.com/Data-View.aspx?lang=fa&id=4280>)

۲-۱-۲- منجز بودن نظریه

یکی دیگر از شرایط نظر کارشناس، قطعی و منجز بودن آن است. قطعی و منجز بودن نظر کارشناس به این است که کارشناس در خصوص موضوع ارجاع شده، با استفاده از تخصص و مهارت خود، نتیجه نهایی را به طور مشخص، استخراج کرده، از روی علم و یقین آن را اعلام نماید؛ بنابراین در صورتی که نظر کارشناس، نتیجه مشخص در خصوص موضوع کارشناسی ارائه نکند، بلکه حاوی تردید و اضطراب یا تشویش باشد. چنین نظری، قاطع و منجز نیست و دادگاه نمی‌تواند آن را مبنای صدور رأی قرار دهد. به طور مثال، وقتی که تعیین قیمت کالای، یا تعیین میزان خسارت از کارشناس خواسته شده است، کارشناس باید قیمت یا میزان خسارت را به طور مشخص اعلام نماید و اعلام احتمال‌های مختلف و مبلغ‌های متفاوت، قاطعیت نظر را از بین می‌برد. (مدنی، ۱۳۷۷ (ب)، ج ۲: ۲۵۱/باختر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲)

با توجه به پیشرفت علوم تا حدود زیادی امکان تشخیص دقیق کارشناسی در هر فن و رشته‌ای فراهم است؛ بنابراین قاضی نباید به نظر مبتنی بر تخمین و احتمال یک کارشناس اکتفاء کند، بلکه لازم است با ارجاع به کارشناسان دیگر، جلب نظر قطعی و منجز کارشناس را خواستار شود؛ اما اگر در موردی خاص، به خاطر پیچیده یا نامعلوم بودن موضوع یا از بین رفتن آثار و علائم حادثه یا نقض علم و تجربه، تشخیص دقیق و اعلام نظر قطعی میسر نباشد، قاضی می‌تواند به قدر متیقن اکتفاء کند. (حسن‌زاده ۱۳۸۸: ۲۲۱/ حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۴)

در این زمینه، شعبه ششم دیوان عالی کشور، در رأی شماره ۲۸۴ - ۱۳۳۳/۱۲/۱۲ اعلام کرده است: «اگر کارشناس‌ها حداقل و حداکثری برای محصول ملک مورد دعوا در نظر گرفته باشند، دادگاه نباید حد وسط نظر آنان را مناط قرار دهد، بلکه باید حداقل که قدر متیقن اشتغال ذمه خوانده بوده، مورد حکم قرار گیرد». (شیخ‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۸۱) همچنین، شعبه ششم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۲۹۶ - ۱۳۱۳/۱۲/۱۹ در این خصوص بیان داشته: «اگر کارشناسان جزماً اظهار عقیده بر یکی نبودن نویسنده اوراق اساس تطبیق با نویسنده ورقه استنادی نکرده باشد دادگاه بایستی کارشناسان دیگری انتخاب نماید نه اینکه ورقه مورد تکذیب را بر حسب عقیده غیر منجز کارشناسان غیر اصیل تشخیص دهد» (باختر، ۱۳۸۷: ۴۶۲)

۲-۱-۳- مستدل بودن نظریه

در معنی مستدل چنین آورده‌اند، دلیل آورده شده، اثبات کرده با دلیل و برهان همراه با استدلال و بیان دلایل (عمید، ۱۳۷۹: ۱۰۸۴/ حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۸۷). نظر کارشناس باید مستدل باشد و نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه لازم است به طور کامل در آن نوشته شود. (ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری).^۳ کارشناس می‌تواند اسناد و مدارکی که نظر او را تأیید و توجیه می‌نماید، پیوست نظر، به دادگاه تقدیم نماید. (شمس ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۲۸ و ۳۳۰) تبصره ماده ۱ قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور بر لزوم مستدل بودن نظر پزشکی قانونی، تأکید کرده، مستدل بودن نظر کارشناس، به معنای این است که کارشناس، مستندات و مدارک و دلایل نظر خود و چگونگی استنباط و استخراج نتیجه حاصل شده از آنها را بیان کند. نظر کارشناس از این جهت، شبیه رأی قاضی است؛ زیرا آراء محاکم نیز لازم است که مستدل باشد (اصل ۱۶۶ قانون اساسی)^۴ و جهات، دلایل و مستندات رأی باید در آن بیان شوند (۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی)^۵؛ بنابراین کارشناس همانند قاضی، مکلف است، جهات، دلایل و مستندات خود را در نظری که اعلام می‌کند، بیان نماید. از

این رو، بخش مهمی از گزارش کارشناس، مخصوص بیان دلایل و مستندات نظر کارشناس است.

مستدل بودن نظریه کارشناس به آن غنا و قوت و اقتدار و صلابت می‌بخشد، هر نظریه کارشناسی که استدلال قوی و برهانی روشن داشته باشد و جاهت بیشتری دارد و دیگران را برای رد نظریه ناتوان تر می‌سازد. دلایل باید بر مبنای امور قطعی باشد تا هم به قاضی اقتناع وجدان بدهد هم قابل دفاع برای خود کارشناس باشد. مستدل بودن نظریه مستلزم آگاهی و احاطه کارشناس از مسائل فنی و حقوقی مورد کارشناسی باشد. کارشناس باید آگاهی‌های خود را همواره به روز نماید. نظریه کارشناسی بدون استدلال تضييع حقوق افراد و اطلاع دادرسی را در پی خواهد داشت؛ و در صورت ضعف در استدلال دادگاه به ناچار پیگیر اخذ توضیح است. این خود بزرگ‌ترین انگیزه در مستدل نمودن نظریات کارشناسی خواهد بود. مراجع قضائی میان نظریاتی که از ضعف استدلال برخوردار هستند و نظریات مستدل فرق گذاشته شده و کارشناس بداند که باید برای مطرح نمودن هر موضوعی در گزارش خود دلیلی و نیز در صورت لزوم پاسخی مستدل داشته باشند.

بدیهی است که این امر، فرد کارشناسی را می‌طلبد که دارای قدرت استدلال و استنباط از پردازش امور بوده که این خود مستلزم آگاهی کارشناس از موارد و مسائل و قوانین و مقررات مربوط به مورد کارشناسی ارجاعی به او می‌باشد بنابراین فراهم آوردن بستر و زمینه مناسب در راستای به روز نمودن آگاهی و اطلاعات کارشناسان در رشته‌های مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار است اما باید توجه نمود که هیچ کس به اندازه خود کارشناس مسئول فراهم آوردن این زمینه نمی‌باشد و هرگز نباید منتظر فراهم آمدن این بستر از سوی دیگر کسان باشد زیرا خود او در مقام یک متخصص و کارشناس در زمینه خاصی مورد قبول واقع شده و از خود او انتظار می‌رود که مؤثر در ارتقاء علمی دیگران باشد. (بازیگر، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۲۲)

اگر نظریه کارشناسی بدون استدلال و یا با استدلال ضعیف ارائه گردد بدیهی است که در این نظریه اغراض گوناگونی را می‌توان مستتر نمود و تضييع حقوق و آشفتگی‌های فراوان و نیز اطلاع دادرسی را در پی خواهد داشت و این حقیقت را نمی‌توان کتمان نمود که از جمله دلایل عمده در اختلاف نظریات فاحش کارشناسی در یک مورد خاص، ضعف در استدلال می‌باشد زیرا وقتی نظریه بدوی مبتنی بر یک استدلال قوی منبعث از قوانین و مقررات فنی و تخصصی

موضوعه مربوطه و با لحاظ نمودن جمیع جهات مرتبط با موضوع باشد میدان را برای ارائه نظریه کارشناسی جدید با استدلال جدید در رد نظریه قبلی و یا ارائه نظریه‌ای با اختلاف فاحش با نظریه قبلی تنگ‌تر خواهد نمود مگر اینکه بدون دلیل و برهان نظریه جدیدی ارائه گردد. (بازیگر، ۱۳۸۰: ۲۲۲)

۲-۱-۴- موجه بودن نظریه

از جمله معانی تعریف‌شده برای کلمه موجه: پسندیده، مقبول، باقاعده، مطابق مقررات و همراه با توجیح و استدلال. (عمید، ۱۳۷۹: ۱۰۸۶ / حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۸۷) قانون‌گذار با به کارگیری واژه «موجه» برای نظریه کارشناسی خاطر نشان می‌سازد که کارشناس در تدوین نظریه خود به این امر مهم توجه داشته باشد که اولاً آنچه که می‌نگارد از نظر و نگاه کلی پسندیده و مقبول باشد و به عنوان یک متخصص و کارشناس در موضوع مورد کارشناسی از پرداختن به مسائلی که درج یا عدم درج آن تأثیری در نتیجه‌گیری نهایی ندارد خودداری کرده و با درج این‌گونه مطالب، گزارشی خسته‌کننده و ملال‌آوری را ارائه ندهد که به علت اطاله کلام، ذهن خواننده را از درک مسائلی مهمی که در نظریه آمده است نیز منحرف نماید و نیز رعایت ترتیب و قاعده و مقررات فنی و تخصصی مربوط به مورد کارشناسی در ویرایش و نیز اشارات به موضوعات، از ابتدا تا انتهای گزارش مشهود باشد به عبارت دیگر با درک اینکه چه الفاظی دلالت بر چه معانی می‌کند و نیز با لحاظ نمودن اینکه آنچه که به رشته تحریر درمی‌آورد منطبق با کدام قاعده و قانون است (قوانین و مقررات فنی و تخصصی مربوط به مورد کارشناسی) آن‌چنان گزارشی تهیه گردد که اولاً تمامی مطالب درج‌شده در گزارش به نوعی مرتبط باهم و مقررات موضوعه مربوطه باشد و ثانیاً مسیر گزارش به گونه‌ای تنظیم گردد که هر چه به انتهای گزارش نزدیک می‌شویم به نتیجه‌گیری نهایی که منظر نظر مرجع قضایی صادرکننده قرار کارشناسی بوده است نزدیک‌تر شویم. (بخارائی، غلامرضا، ۱۳۸۹: ۴۲۸۰، <http://www.arialaw.com/Data-View.aspx?lang=fa&id=4280>)

لذا بنا بر آنچه که گذشت نظریه کارشناسی باید با رعایت ترتیب و قاعده و مقررات (فنی و تخصصی مربوط به مورد کارشناسی) در همه ابعاد دربرگیرنده کلیه موارد مربوط به پرونده باشد از قبیل کلاسه پرونده و مرجع صادرکننده قرار، موضوع پرونده، نام اصحاب دعوی، خلاصه‌ای از محتویات پرونده از ابتدا تا مرحله صدور قرار کارشناسی که شامل مواردی باشد که برای استنتاج و نتیجه‌گیری نهایی، کارشناس ملزم به توجه و در نظر گرفتن تمامی آنها می‌باشد،

خواسته مرجع صادرکننده قرار کارشناسی و آنگاه درج کلیه اقدامات انجام شده در راستای اجرای قرار کارشناسی با مشخص بودن تاریخ دقیق آنها از قبیل معاینات به عمل آورده یا بازدیدهای صورت گرفته و نیز مدارک متخذه و اظهارات مسموع و مکتوب کلیه افرادی که ضرورت استماع اظهارات آنان در بررسی پرونده ضروری تشخیص داده شده و در نهایت ارائه نظریه نهایی مبتنی بر دلایل و براهین و نیز موازین و مقررات فنی و تخصصی موضوعه مربوطه که بتواند مرجع قضایی صادرکننده قرار را در تحقق عدالت مدد نماید. (بخارائی، غلامرضا، ۱۳۸۹-<http://www.aria.com/Data-View.aspx?lang=fa&id=4280>) بدیهی است که اجرای قرار در هر رشته‌ای راهکارهای خاص خود را می‌طلبد که باید در راستای اجرای آن با حفظ ویژگی‌های بر شمرده در قانون، با اتخاذ ترتیب و قاعده و مقررات فنی و تخصصی حاکم و ناظر بر آن رشته، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد.

۲-۱-۵- مطابقت با قرار ارجاع

از جمله اصول حاکم بر کارشناسی این است که کارشناس در چارچوب موضوع کارشناسی اقدام و اظهار نظر نماید. (باختر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱) نظر کارشناس، باید منطبق با قرار ارجاع به کارشناس باشد. منطبق بودن نظر با قرار ارجاع به این معنا است که اولاً: نظر کارشناس محدود به مورد و موضوع ارجاع شده باشد و کارشناس خارج از حدود موضوع، اظهار نظر نکرده باشد. ثانیاً در حدود موضوع، به تمام آنچه که از او خواسته شده جواب داده و نظر او کامل باشد؛ بنابراین، همان طور که خروج کارشناس از حدود موضوع، در اعتبار نظر، خدشه ایجاد می‌کند، کوتاهی او و عدم پاسخ کامل او به آنچه که از او خواسته شده نیز سبب ناقص بودن نظر و بی اعتباری آن، در صورت عدم رفع نقص، می‌شود. (شمس، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۳۰/ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۴۶/ مدنی، ۱۳۷۷ (الف)، ج ۲: ۲۵۱) به عبارت دیگر کارشناس مکلف است، موضوع ارجاع شده را به طور کامل بررسی کرده، در خصوص تمام آنچه درخواست شده، اظهار نظر نماید، همچنین مکلف است، همواره حدود موضوع ارجاع شده را رعایت کند و از آن خارج نشود و در خصوص اموری که خارج از موضوع کارشناسی است، نباید به بررسی و اظهار نظر بپردازد.

حکم شماره ۱۷۳۹ - ۱۳۳۴/۹/۱۶ شعبه سوم دیوان عالی کشور در این خصوص می‌گوید: «اگر از طرف خواهان به پرونده ثبتی استناد شود و دادگاه استان هم ضمن قرار معاینه محل... کارشناسی با ملاحظه این پرونده محل را معاینه و محل تطبیق را انجام دهد و اظهار نظر نماید

ولی کارشناس بدون ملاحظه پرونده اظهار عقیده کند چون به پرونده ثبتی که جزء ادله خواهان بوده رسیدگی نشده در حقیقت رسیدگی دادگاه ناقص می باشد». (باختر، ۱۳۸۷: ۴۶۴) همچنین، دیوان عالی کشور (شعبه ۲۲) در رأی شماره ۲۲/۶۰۷/۶۸ رأی دادگاه را به خاطر مبنا قرار دادن نظر ناقص و مخدوش کارشناس، نقض و اعلام کرده: «... چون تبعیت دادگاه از نظریه مخدوش و ناقص کارشناس، بی مورد و دادنامه صادره فاقد وجهت قانونی است فلذا دادنامه مزبور ناقص...» (بازیگر، ۱۳۸۰: ۲۵۵)

۲-۱-۶- عدم مخالفت با اوضاع معلوم

اوضاع و احوال محقق و معلوم عبارت است از اوضاع و احوالی که جنبه‌هایی از موضوع فنی مورد رسیدگی را آشکار و نمایان می‌سازد. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۸۳) قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۲۶۵، مخالف نبودن نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی را مقرر کرده و اعلام کرده: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». (ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی) قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۹۳، بر متعارض بودن نظر کارشناس تأکید داشته و اعلام کرده: «در صورت تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه، قاضی را مکلف کرده که نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند بفرستد و نظر آن را جلب نماید». (ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

منظور از اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، واقعیت‌های موجود پیرامون مورد کارشناسی است که وجود آنها، محرز و ثابت شده است و تردید و شبهه‌ای در آن وجود ندارد. به عنوان مثال وقتی تعیین اجاره‌بهای مغازه‌ای از کارشناس خواسته شده و کارشناس مبلغی را اعلام کرده، درحالی‌که مغازه‌های مجاور با همان شرایط و ویژگی‌ها، نصف یا دو برابر مبلغ اعلام شده توسط کارشناس، اجاره شده است. یا میزان خسارت تعیین شده در نظر کارشناس به مراتب گزاف یا ناچیز است. به عنوان مثال، در تعیین میزان خسارت وارد بر اتومبیل، مبلغی اعلام شده که بیشتر از قیمت خرید همان اتومبیل است. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۴/حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۶)

بر اساس نظریه شماره ۷/۲۵۱ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۱: «تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است. همچنین در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.» سؤال: چنانچه صحت گواهی مورد

تردید باشد، یا نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه مطابقت نداشته باشد، آیا دادگاه می‌تواند به آن ترتیب اثر ندهد؟

نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه اعلام کرده: «مطابق ماده ۲۴۱ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است و همچنین به موجب ماده ۲۶۵ از همان قانون در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد. بنا به مراتب، احراز موضوع به عهده دادگاه رسیدگی‌کننده است که درباره صحت و سقم اظهارات گواه و نظر کارشناس و تعارض آنها با یکدیگر بررسی و معلوم نماید که کدام یک با واقعیت انطباق دارد».^۶ براساس نظریه ۶۶۱۱/۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه: «کارشناس باید طبق قرار دادگاه کارشناسی و اظهارنظر کند. اگر نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و مسلم قضیه مطابقت نداشته باشد دادگاه از آن تبعیت نمی‌کند».^۷

۲-۲- شرایط غیر مستقیم نظریه کارشناسی

علاوه بر شرایطی که برای نظریه کارشناس بیان شد و به طور مستقیم مربوط به نظر کارشناس بود. در نظر کارشناس شرایط دیگری لازم است که در صورت تخلف از آنها، نظر کارشناس فاقد اعتبار می‌گردد؛ بنابراین، این دسته شرایط که ذیلاً تبیین می‌گردد، به طور غیر مستقیم به نظر کارشناس بر می‌گردند و در آن تأثیر می‌گذارند.

۲-۲-۱- قبول امر کارشناسی

مطابق ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، کارشناس مکلف به قبول امر کارشناسی که از طرف دادگاه به او ارجاع شده می‌باشد مگر اینکه عذری باشد که به تشخیص دادگاه موجه شناخته شود، در این صورت باید قبل از مباشرت به کارشناسی مراتب را به طور کتبی به دادگاه اعلام دارد. کارشناس در موارد زیر باید از قبول کارشناسی خودداری کند:

۱- هرگاه یکی از جهات رد دادرس در کارشناس وجود داشته باشد. (ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی

مدنی)

۲- هرگاه کارشناس در موضوعی که برای اظهارنظر در آن انتخاب شده است، صلاحیت

اظهارنظر نداشته باشد. (بند ۸ ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی دادگستری)

۳- جهات رد، علاوه بر شرایطی هستند که در مواد مختلف برای کارشناس مقرر شده‌اند؛ بنابراین در صورت فقدان شرایط قانونی، مانند تخصص و مهارت یا وثوق، کارشناس باید از اقدام خودداری کند و طرفین می‌توانند اعتراض کنند. همچنین در صورت وجود شرایط، با وجود جهات رد، کارشناس مکلف به اعلام جهت رد و خودداری از اقدام است و هر یک از طرفین نیز می‌توانند ایراد کنند. البته کارشناس در صورت عذرهای مانند بیماری مؤثر و یا مسافرت ضروری از پذیرفتن کارشناسی خودداری می‌کند. (شمس، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۲۴/ حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

۲-۲-۲- اظهار نظر در مهلت مقرر

لزوم ارائه نظر در مهلت مقرر در مواد ۲۵۷، ۲۶۰ و ۲۶۲ مورد تأکید قرار گرفته است. «دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد». (ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی)، «پس از صدور قرار کارشناسی و انتخاب کارشناس و ابداع دستمزد، دادگاه به کارشناس اخطار می‌کند که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم نماید...» (ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی)، «کارشناس باید در مدت مقرر نظر خود را کتباً تقدیم دارد، مگر این که موضوع از اموری باشد که اظهار نظر در آن مدت میسر نباشد. در این صورت به تقاضای کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین و به کارشناس و طرفین اعلام می‌کند...» (ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی) بنابراین کارشناس وظیفه دارد در مهلتی که دادگاه (در قرار کارشناسی) تعیین کرده است اظهار نظر نماید و اگر استمهال کرده باشد در مدت جدید نظر خود را اعلام نماید و الا چنانچه در خارج از موعد اظهار عقیده کند آن نظر اعتبار ندارد.

۲-۲-۳- ناقص نبودن

مطابق ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، «در صورت لزوم تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح از کارشناس، دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. در صورت عدم حضور، کارشناس جلب خواهد شد. هرگاه پس از اخذ توضیحات، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌نماید». از مفاد این ماده می‌توان

نتیجه گرفت که: هرگاه اظهار عقیده کارشناس ناقص یا مجمل باشد دادگاه می‌تواند کارشناس را جهت تکمیل نظریه احضار نموده و در صورت عدم حضور جلب نماید.

۲-۲-۴- کتبی بودن

ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، «کارشناس باید در مدت مقرر نظر خود را کتباً تقدیم دارد». بر کتبی بودن نظر کارشناس تأکید کرده است. البته امروزه سعی می‌شود نظرات کارشناسی تایپی باشد. تایپی بودن متن با استفاده از فونتها مناسب با فاصله‌گذاری‌های لازم از اطراف کاغذ و رعایت سایز فونت مورد استفاده و در مجموع زیبایی و شکیل بودن و آراستگی فرم نظریه کارشناسی... می‌تواند تأثیرات مثبت در خواننده ایجاد کند.

۲-۲-۵- مشکوک نبودن

ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، بر مشکوک نبودن نظر کارشناس تأکید کرده. «هرگاه در عقاید اهل خبره اختلافی حاصل شود یا عقیده آنان به نظر قاضی مشکوک باشد قاضی می‌تواند از خبرگان دیگری دعوت نماید و یا نظریه آنان را نزد متخصصین علم یا فن مربوط ارسال و عقیده آنان را استعلام نماید». مطابق این ماده در صورتی که نظر کارشناس نزد قاضی مشکوک باشد قاضی می‌تواند موضوع را به کارشناسان دیگر محول کند. از این ماده استفاده می‌شود که نظر کارشناس باید به گونه‌ای باشد که موجب اطمینان قاضی شود و شک او را برطرف کند؛ بنابراین مشکوک بودن نظر کارشناس، سبب بی اعتباری آن می‌شود.

۴- میزان اعتبار نظر کارشناس

در خصوص حجت بودن نظریه کارشناسی برای قاضی، دیدگاه‌ها متفاوت بوده و در قوانین کشور ما هم این موضوع تقریباً مسکوت مانده است. دیدگاه اکثریت و مشهور این است که قاضی با استناد به ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م. در قبول یا رد نظریه کارشناسی مخیر خواهد بود، ولی دیدگاه اقلیت، نه برعکس، قاضی را مخیر نمی‌داند، چون معتقدند مخیر بودن قاضی در قبول یا رد نظریه کارشناس متخصص چیزی جز طواری دادرسی در دادگاه‌ها نخواهد داشت. (خلعتیری،

۱۳۲۹: ۱۴ و ۱۶)

همان طور که بیان شد در قوانین کشور ما، ماده‌ای که به طور قاعده، چگونگی اعتبار نظر کارشناس را به روشنی بیان کرده باشد، یافت نمی‌شود. با وجود این، در قانون آیین دادرسی

مدنی در ماده ۲۶۵ اعلام شده است: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». بر اساس ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز هرگاه عقیده اهل خبره به نظر قاضی مشکوک باشد قاضی می‌تواند از خبرگان دیگری دعوت نماید و یا نظر اهل خبره را نزد متخصصین علم یا فن مربوط، ارسال و عقیده آنان را استعلام نماید. به موجب ماده ۹۳ همان قانون در صورت تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه، قاضی نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند، می‌فرستد و نظر آنها را جلب می‌نماید. (میرزای، ۱۳۹۲: ۱۵ / حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۸-۲۲۹ / حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۹ - ۱۶۰) در این خصوص آنچه مسلم است این است که به موجب این ماده، قاضی در هر حال مکلف نیست نظر کارشناس را بپذیرد و بر اساس آن حکم صادر کند. بلکه در صورتی که آن را مطابق با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی نداند، از ترتیب اثر دادن به آن خودداری می‌کند؛ بنابراین با استناد به این ماده، الزام‌آور نبودن نظر کارشناس در هر حال و اختیار قاضی در ارزیابی و بررسی آن، اجمالاً محرز است.

با این وجود در این خصوص سؤالی مطرح می‌شود که لازم است به آن پاسخ داده شود و آن اینکه در غیر از موارد عدم مطابقت نظر با اوضاع و احوال محقق، آیا قاضی مکلف به تربیت اثر دادن به نظر کارشناس است یا همچنان در ارزیابی نظر اختیار دارد؟ برخی اختیار قاضی را محدود دانسته‌اند و بر این اعتقادند که فقط در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، قاضی به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. (متین‌دفتری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۵۲ / صدرزاده افشار، ۱۳۷۶: ۱۶۵) برخی دیگر بر اختیار قاضی در قبول یا رد نظر کارشناس به طور کلی و صرف‌نظر از مورد عدم مطابقت با اوضاع محقق، به خصوص در امور کیفری تأکید کرده‌اند. (مدنی، ۱۳۷۸: ۳۲۳ / هدایتی، ۱۳۴۲: ۶۹) بعضی هم دشواری اثبات مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی را مورد تأیید قرار داده‌اند. به دلیل اینکه قضات، تخصص و بصیرت در امور فنی ندارند تا بتوانند نظر کارشناس را بررسی کنند و دلایل عدم مطابقت آن را بیان کنند. (زرعت، عباس و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۸-۲۷۱ / خلعتیری، ۱۳۲۹: ۱۴)

می‌توان گفت ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناسی، در غیر از موارد عدم مطابقت آن با اوضاع و احوال محقق ندارد؛ زیرا منطوق ماده یاد شده، قاضی را ملزوم کرده که در صورت تشخیص عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، از

ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند. این ماده دلالت بر این مفهوم ندارد که در غیر از موارد عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، قاضی ملزم به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناس باشد؛ به عبارت دیگر، ماده ذکر شده، دلالت بر این ندارد که مورد ترتیب اثر ندادن به نظر کارشناس منحصر به عدم مطابقت آن با اوضاع محقق است. دلیل این مطلب آن است که در ماده ۲۶۲ همان قانون، صریح و موجه بودن نظر کارشناس، به صراحت شرط شده است و بدیهی است که قاضی نمی‌تواند به نظر مبهم و مجمل و ناموجه کارشناس ترتیب اثر دهد. (خلعتیری، ۱۳۸۹: ۱۴)

پس در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس، لازم است که شرایط دیگر از قبیل صریح و موجه بودن، (ماده ۲۶۲ ق.آ.د.م) مطابق بودن با موضوع کارشناسی، (۲۵۷ ق.آ.د.م) کتبی بودن و رعایت مهلت مقرر، (ماده ۲۶۲ ق.آ.د.م) مشکوک نبودن، (ماده ۸۷ ق.آ.د.ک) و متعارض نبودن، (ماده ۹۳ ق.آ.د.ک) در آن رعایت شود و قاضی با بررسی کارشناسی از جهت وجود شرایط (در صورت احراز بودن شرایط) به آن ترتیب اثر می‌دهد. (بازگیر، ۱۳۸۰: ۲۵۵-۲۶۵ / حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۳۱ / حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۱) از طرف دیگر چون مرجع تشخیص امور فنی، اهل خبره و کارشناسان هستند و عقلاً از قدیم‌الایام بر نظر اهل خبره در امر مربوط به حرفه تخصصشان، اعتماد می‌کرده‌اند، بر قاضی لازم است در صورت بی‌اعتبار دانستن نظر کارشناس و عدم ترتیب اثر بر آن، ایراد نظر و دلایل خود در این زمینه را بیان کند.

البته باید متذکر شد که در عمل دادگاه‌ها نظر کارشناسان را مورد توجه قرار داده و وارد مسائل فنی نمی‌شوند و در آنها دخالت نمی‌نمایند. همچنین براساس تبصره‌ی ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی احکام مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین، رأی آنان را کتباً قاطع دعوا قرار داده باشند، قابل درخواست تجدیدنظر نمی‌باشد و نیز بر اساس بند ۲ ماده ۳۶۹ همین قانون احکام مستند به نظریه‌ی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین به طور کتبی رأی آنها را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود. (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۵۵)

۴-۱- اختیار ارزیابی نظریه توسط دادگاه

حقوقدانان اختیار گسترده قضا را در بررسی نظر کارشناس و تصمیم‌گیری براساس آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. مبنای این اختیار گسترده، قاعده عام آزادی قضا در ارزیابی ادله اثبات دعوی به منظور تحصیل قناعت وجدانی است. بر این اساس اعلام کرده‌اند که کارشناس نیز

مشمول این قاعده عام و تحت اختیار وسیع قاضی در بررسی ادله قرار دارد؛ بنابراین قاضی مکلف به قبول نظر کارشناس و صدور حکم بر اساس آن نیست؛ به عبارت دیگر نظر کارشناس تکلیفی برای قاضی ایجاد نمی‌کند و نسبت به او لازم‌الرعايه نیست بلکه قاضی بر اساس اختیار وسیع خود در بررسی ادله به ارزیابی نظر کارشناس می‌پردازد. (القیسی، ۲۰۰۱م: ۸۶-۸۷)

به طوری که مرسوم است، نظر کارشناس مانند هر دلیل دیگری باید اقناع وجدانی برای دادرس ایجاد کند و او را در راه اصدار رأیی عادلانه راهگشا باشد. اهمیت این موضوع به حدی است که ماده‌ی ۲۶۵ ق.آ.د.م. به تأکید آن اشاره نموده است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». مفهوم ماده این است که دادگاه نمی‌تواند بعد از وصول نظر کارشناس به آن بی‌اعتنا بماند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳۰)

هر اقدام که دادگاه می‌کند و هر اختیاری که به او داده شده است، ناشی از وظیفه حق‌گذاری است و باید موجه و قابل بررسی و ارزیابی باشد. نظر کارشناس اماره بر واقع است و نباید بی‌دلیل از آن گذشت.^۸ ولی احتمال دارد قاضی به قراین دیگری دست یابد که بی‌اعتباری نظر کارشناس را نشان دهد (به عنوان مثال، کارشناس به از کارافتادگی کامل دست خواهان نظر بدهد و دلیلی نشان دهد که با همان دست کار می‌کند) یا قرینه دیگری او را به تردید اندازد. در این فرض، دادگاه می‌تواند به تحقیق بیشتر بپردازد و در صورتی که به نتیجه مخالف برسد، به نظر کارشناس ترتیب اثر ندهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۳۶)

قاضی در ارجاع امر به کارشناسی، بررسی و دستور تکمیل آن و تشخیص نظریه با اوضاع و احوال محقق، نقشی فعال دارد. (دباغی، ۱۳۹۰: ۱۱۸) بنابراین، با توجه به ماده‌ی ۲۵۶ ق.آ.د.م؛ و اختیار مؤکدی که قانون‌گذار به قضات دادگاه‌ها داده است، دادرسان تا زمانی که نظریه‌ی ابرازی را بر خلاف اوضاع و شرایط محقق و معلوم کارشناسی مشاهده ننمایند، مطابق آن اقدام به صدور رأی خواهند کرد. در غیر این صورت؛ یعنی در صورتی که تکمیل نظریه لازم باشد و یا در صورت ابهام در نظریه، دستور ادای توضیحات و رفع ابهام از مفاد آن را صادر می‌نمایند. لیکن در صورتی که هیچ یک از این موارد، باعث قناعت وجدانی دادرس نشود، به نظر اعلامی کارشناس ترتیب

اثر نخواهد داد؛ مانند اینکه «نظر کارشناس راجع به اجرت المثل زمینی باشد که مساحت آن طبق دلایل غیر قابل انکار موجود در پرونده ده هکتار است اما کارشناس اجرت المثل زمین را بر مبنای پانزده هکتار تعیین نموده باشد. یا زمین در محلی قرار دارد که محققاً مستعد شالی کاری نیست، اما کارشناس اجرت المثل زمین را به اعتبار استعداد آن برای شالی بر آورد نموده است».

بدین ترتیب معلوم می‌شود که دست قاضی در این موضوع باز و صلاحدید وی در پذیرفتن یا عدم پذیرش و تأیید نظریه حکم فرماست. همچنین اختیاری که به وی از جانب قانون‌گذار محترم اعطا گردیده از باب صلاحیت در رسیدگی به مقدمات، دلایل و زمینه‌های که هر یک معد و تکمیل‌کننده‌ی تحقیقات وی از مرحله‌ی رسیدگی بدوی تا صدور رأی نهایی، قابل توجه به شمار می‌آیند. باید متذکر شد که دیوان عالی کشور نیز بر اختیار قاضی در ارزیابی نظر کارشناس، نظارت داشته و در موارد متعددی نظر کارشناس را به علت مبهم یا مجمل یا ناقص یا مخدوش یا مشکوک بودن، بی‌اعتبار شناخته و حکم صادرشده بر اساس آن را نقض کرده است.

۴-۲- اخذ توضیح یا تکمیل کارشناسی

ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام کرده: «در صورت لزوم تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح از کارشناس، دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید... هرگاه پس از اخذ توضیحات، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌نماید».

دادگاه در هر مورد که گرفتن توضیح کارشناس یا تکمیل کاوش‌ها و تحقیقات او را لازم بداند، موارد تکمیل و توضیح را در صورت‌جلسه نوشته و به کارشناس اعلام و او را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. تعیین جلسه‌ی دادرسی و دعوت اصحاب دعوا برای شنیدن توضیح کارشناس الزامی نیست. کارشناسی که علی‌رغم دعوت صحیح برای ادای توضیح حاضر نمی‌شود، جلب خواهد شد. بدین وسیله، نهایتاً تصمیم دادگاه قابل اجرا خواهد بود و در نتیجه در صورت عدم حضور کارشناس، دادگاه نمی‌تواند با انتخاب کارشناس دیگر، ابهامات و نواقص

موجود در نظر کارشناس را بر طرف نماید. البته هرگاه پس از گرفتن توضیحات کارشناس، دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد با صدور قرار، تکمیل آن را به همان کارشناس یا کارشناسی دیگر واگذار می‌نماید. تشخیص ضرورت گرفتن توضیح از کارشناس به صلاحدید دادگاه واگذار شده که باید با محتویات پرونده و سایر تصمیمات او هماهنگی داشته باشد. (شمس، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۳۳)

دلالت ماده ۲۶۳ ق.آ.د.م. مربوط به مواردی است که نظر کارشناس، صریح و موجه نیست، بلکه در آن ابهام یا اجمال وجود دارد و یا مواردی که کارشناس به تمام آنچه که از او خواسته شده، پاسخ نداده و نظر کارشناس ناقص است. در این موارد، دادگاه با دعوت از کارشناس، برای توضیح موارد مبهم یا مجمل، در پی رفع ابهام یا اجمال نظر بر می‌آید و یا با قرار تکمیل کارشناسی، سعی می‌کند نقص آن بر طرف شود. نقص به مفهوم وسیع تر شامل ابهام و اجمال نظر هم می‌شود. به همین خاطر است که در صورتی که با توضیحات کارشناس ابهام یا اجمال نظر بر طرف نشود، قاضی می‌تواند با صدور قرار تکمیل کارشناسی، در جهت رفع نقص یعنی ابهام یا اجمال آن اقدام کند؛ بنابراین، در موارد ناقص، یا مجمل بودن نظر کارشناس، قاضی با تعیین موارد نقص، اجمال یا ابهام، از کارشناس برای ادای توضیح دعوت می‌کند. در صورتی که با توضیح کارشناس، ایراد نظر بر طرف شود، قاضی به آن ترتیب اثر می‌دهد، در غیر این صورت با صدور قرار تکمیل کارشناسی، خواستار تکمیل کارشناسی می‌شود. تکمیل کارشناسی را دادگاه می‌تواند به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول نماید. در عمل بهتر است تکمیل کارشناسی از همان کارشناس خواسته شود. چون او با انجام مراحل قبلی، آشنایی دارد و آمادگی بیشتری در خصوص موضوع کارشناسی دارد. ولی اگر به آن کارشناس دسترسی نباشد یا به نظر قاضی، تکمیل کارشناسی نیاز به تخصص بیشتری داشته باشد، قاضی می‌تواند تکمیل کارشناسی را به کارشناس دیگری واگذار نماید. (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۳۲ - ۲۳۳ / حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

با وجود این به نظر نمی‌رسد قانون‌گذار خواسته است وجود مرحله اخذ توضیح پیش از قرار تکمیل را ضروری اعلام کند. پس در صورتی که قاضی در هر حال نظر کارشناس را ناقص تشخیص دهد و تکمیل کارشناسی را لازم بداند، می‌تواند برای جلوگیری از طولانی شدن رسیدگی، بدون اخذ توضیح از کارشناس، قرار تکمیل کارشناسی صادر نماید. چون طی دو

مرحله اخذ توضیح و تکمیل کارشناسی مستلزم صرف وقت زیاد و طولانی شدن رسیدگی است؛ اما اگر امید بر طرف شدن نقص یا اجمال یا ابهام نظر، با توضیحات کارشناس وجود دارد، دادگاه ابتدا اقدام به اخذ توضیح و در صورت بر طرف نشدن ایراد، قرار تکمیل صادر می‌کند.

۳-۴- رد نظر و ارجاع به کارشناسان دیگر

اگر ایراد نظر کارشناس، ابهام، اجمال یا ناقص آن نباشد که با اخذ توضیح از کارشناس یا تکمیل کارشناسی، برطرف شود، بلکه ایراد اساسی باشد که به کلی اعتبار آن را از بین می‌برد، مانند مطابق نبودن نظر با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، در این حالت، دادگاه با رد نظر کارشناس، بررسی موضوع را به کارشناسی جدید ارجاع می‌دهد. در عمل، کارشناسی مجدد با تعدد کارشناسان انجام می‌شود. به ترتیب که در مرحله دوم کارشناسی هیئتی مرکب از سه کارشناس و در مرحله سوم، پنج کارشناس تعیین می‌شوند. برخلاف موردی که طبق ماده ۲۶۳ ق.آ.د.م، تکمیل کارشناسی به کارشناس جدید محول می‌شود، در اینجا که با رد نظر اعلام شده قبلی، بررسی موضوع به کارشناسی جدید واگذار می‌شود، کارشناس یا کارشناسان جدید، صرف نظر از کارشناسی انجام شده قبلی، به بررسی موضوع پرداخته، نظر خود را اعلام می‌کنند.

(حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۳۴ / حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۲)

سؤالی که مطرح است این است که آیا قاضی می‌تواند بخشی از نظر کارشناس را معتبر بداند و آن را بپذیرد و بخش دیگر را نامعتبر تشخیص دهد و بررسی همان بخش را به کارشناس جدید محول کند؟ در این زمینه صراحتی در قوانین کشور ما یافت نمی‌شود، بنابراین می‌توان گفت با عدم ممانعت قانون‌گذار، این کار برای قاضی منع ندارد. به خصوص وقتی که در قرار ارجاع به کارشناس، بررسی چند مسأله به کارشناس واگذار شده که نسبت به هم تمایز دارند. به طور مثال، اگر بررسی عوامل حادثه و تعیین میزان خسارت به کارشناس محول شده و نظر کارشناس در بخش بررسی عوامل، از نظر قاضی، حاوی شرایط قانونی است و ایرادی متوجه آن نیست، ولی نظر کارشناس در محاسبه خسارت، به طور آشکار با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه، مخالف است، چه ایرادی دارد که قاضی نظر کارشناس را در بخش بررسی عوامل بپذیرد و تعیین میزان خسارت را به کارشناس جدید محول نماید؟

نکته دیگر اینکه آیا قاضی می‌تواند بدون آن که نظر کارشناس را بی‌اعتبار تشخیص دهد و آن را، رد کند بررسی موضوع را به منظور کسب اطمینان بیش تر یا به سبب اعتراض بر آن به کارشناسی جدید ارجاع کند؟ به نظر می‌رسد قاضی مکلف است هر زمان که پرونده آماده صدور رأی شود، با اعلام ختم رسیدگی حکم آن را صادر نماید و تجدید وقت در صورتی مجاز است که پرونده آماده صدور رأی نباشد و انجام دادن تحقیقات یا اقداماتی ضروری باشد؛ بنابراین قاضی نباید، بدون اینکه ضرورت داشته باشد رسیدگی را طولانی نماید، در نتیجه در موردی که قاضی نظر کارشناس را معتبر و فاقد ایراد می‌داند ارجاع به کارشناسی جدید ضرورت ندارد و با ضروری نبودن آن به صرف اعتراض اصحاب دعوا یا حصول اطمینان بیشتر نباید به این کار (ارجاع به کارشناسی جدید) مبادرت ورزد.

نتیجه‌گیری

ابلاغ وصول نظر کارشناس، به خاطر این است که طرفین از وصول نظر مطلع شوند و بتوانند با حضور در دفتر دادگاه و ملاحظه نظر، در صورتی که اعتراضی دارند، اعلام نمایند. به همین خاطر است که قانون‌گذار، ابلاغ وصول نظر را الزامی کرده است. این الزام شامل تمام مراحل کارشناسی می‌شود؛ بنابراین در مراحل بعدی کارشناسی (هیئت سه نفره و پنج نفره...) نیز، وصول نظر کارشناسان، باید به طرفین ابلاغ شود زیرا اطلاع یافتن اصحاب دعوی از نظر کارشناسی و اعلام اعتراضات خود، حق آنها است و دادگاه نباید آنها را از این حق محروم نماید.

در قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی، برای نظری که کارشناس اعلام می‌کند، شرایطی ذکر شده است که اعتبار نظر کارشناس منوط به رعایت آن شرایط است. در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس لازم است شرایطی از قبیل صریح، موجه، قاطع، مطابق بودن با قرار کارشناسی، عدم مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، کامل بودن، کتبی بودن و رعایت مهلت مقرر، مشکوک نبودن و متعارض نبودن در آن رعایت شود. اعتبار نظر کارشناس مشروط به وجود شرایط آن است و قاضی در صورتی که نظر کارشناس، واجد شرایط قانونی نباشد، به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. به عنوان مثال، در صورتی که قاضی نظر کارشناس را مخالف با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی تشخیص دهد، به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی را نمی‌توان قاعده عام مربوط به اعتبار نظر کارشناس در حقوق ما دانست بلکه ماده یادشده در مقام بیان یکی از شرایط اعتبار نظر کارشناس - یعنی

عدم مخالفت با اوضاع و احوال معلوم و مسلم مورد کارشناسی - است و در تعیین اعتبار نظر کارشناس لازم است علاوه بر ماده مذکور، سایر مواد قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین دیگر را نیز مورد توجه قرار داد.

در بحث «اختیار ارزیابی نظریه ی کارشناسی توسط دادگاه» در ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی در این باره چنین داشته است: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». با نظر به مفهوم مخالف این ماده می توان به این نتیجه رسید که «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر خواهد داد». به دیگر سخن، هنگامی که نظریه ارایه شده ی کارشناسی با اوضاع و احوال مورد پرونده سازگار و مطابق باشد، دادگاه ملزم است با استناد به آن و بر طبق آن اقدام به صدور رأی نماید. زیرا دادرسی در جایگاهی نشسته که می باید به فصل خصومت و تحقق عدالت بپردازد. با این وصف، در مواقعی که عقیده ی کارشناس منطبق بر اوضاع و احوال محقق پرونده باشد، نمی توان قاضی را مختار در اصدار رأی بر طبق نظریه اعلامی کارشناس دانست. بنابراین از آن چه که گفتیم می توان به این نتیجه رهنمون شد که «کارشناسی دلیلی مستقل از امارات است». و در صورتی که نظریه اعلامی کارشناس با اوضاع و احوال محقق مورد ارجاعی به او، تطابق داشته باشد، این نظریه به قاضی رسیدگی کننده به پرونده تحمیل خواهد شد و دادرسی راهی جز انشای رأی منطبق با نظریه ی کارشناس نخواهد داشت.

یادداشت ها و زیر نویس ها:

۱. دیوان کشور فرانسه، شعبه مدنی، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۲: دالوز دوره ای ۱۹۰۳، ۱، ۳۱۷، / گابریل پاپون (papon)، دالوز، فرهنگ آیین دادرسی مدنی، واژه Expertise، ش ۲۱۴ - ۲۱۶.
۲. رک. شمس عبدالله، آیین دادرسی مدنی، «دوره پیشرفته»، ۱۳۸۹، ج. ۲، چاپ بیست و چهارم، شماره ۴۹۲ - ۴۸۵، ص ۲۳۵.
۳. ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری؛ «اظهار نظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص می گردد به طور کامل در آن منعکس نمایند. کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود نظر کارشناسی را به طور کتبی و در مهلت مقرر به مراجع ذی ربط تسلیم و نسخه ای از آن راتا مدت حداقل پنج سال بعد از تاریخ تسلیم نگهداری نماید».
۴. اصل ۱۶۶ قانون اساسی؛ «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

۵. ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛ «رأی دادگاه پس از انشای لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد: ۱- تاریخ صدور رأی. ۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه. ۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین. ۴- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است. ۵- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه».
۶. نظریات مشورتی اداره کل امور حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در امور حقوقی، فصل ۱۷ - کارشناسی، نظریه شماره ۷/۲۵۱ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۱.
۷. نظریات مشورتی اداره کل امور حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در امور حقوقی، فصل ۱۷ - کارشناسی، نظریه شماره ۶۶۱۱/۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۹.
۸. دراین باره رجوع کنید، حکم شماره ۶/۱۴۶ مورخ ۲۰/۶/۳۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور، احمد متین، مجموعه رویه قضایی، حقوقی.

منابع و مأخذ

الف - کتاب ها

۱. باختر، سید احمد و روحانی، سید محمد، (۱۳۹۰)، "آیین دادرسی مدنی ادله اثبات دعوی حقوق کارشناسی"، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، تهران.
۲. باختر، سید احمد، (۱۳۸۷)، "مجموعه کامل قوانین و مقررات کارشناسان رسمی دادگستری"، چاپ دوم، چهارباغ، اصفهان.
۳. بازیگر، یدالله، (۱۳۸۰). "رسیدگی به دلایل و احکام راجع به آن"، چاپ اول، انتشارات فردوسی، تهران.
۴. بازیگر، یدالله، (۱۳۷۷)، "آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی"، جلد ۳، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، "دانشنامه حقوقی"، جلد ۵. چاپ سوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. حسن زاده، مهدی، (۱۳۸۸)، "بررسی فقهی - حقوقی کارشناسی و ارزش اثباتی آن"، چاپ اول، انتشارات دانشگاه قم، قم.
۷. خمسه قاضی، اصغر، (۱۳۹۰)، "ادله اثبات دعوی"، چاپ اول، مدیریت آموزش و تحقیقات شوراهای حل اختلاف استان قزوین، قزوین.
۸. دباغی، نرگس، (۱۳۹۰)، "کارشناسی به عنوان دلیل اثبات دعوا"، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، تهران.
۹. زراعت عباس و مهاجری علی، (۱۳۸۶)، "آیین دادرسی کیفری"، جلد ۱، چاپ سوم، ناشر فکر سازان، تهران.
۱۰. شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، "آیین دادرسی مدنی"، دوره پیشرفته، جلد ۲، چاپ بیست و چهارم، انتشارات دراک، تهران.
۱۱. شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، "آیین دادرسی مدنی"، دوره پیشرفته، جلد ۳، چاپ هجدهم، انتشارات دراک، تهران.
۱۲. شیخ نیا، امیرحسین، (۱۳۷۵)، "ادله اثبات دعوی"، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۳. صدر زاده افشار، محسن، (۱۳۷۶ الف)، "ادله اثبات دعوی در حقوق ایران"، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۴. صدر زاده افشار، محسن، (۱۳۷۶ ب)، "آیین دادرسی مدنی و بازرگانی"، چاپ چهارم، ماجد، تهران.
۱۵. القیسی، طه خضیر، (۲۰۰۱ م)، "حرية القاضي في الاقتناع"، طبعه الاولى، دار الشؤون الثقافية العامة، بغداد.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، "اثبات و دلیل اثبات"، جلد ۲، چاپ سوم، نشر میزان، تهران.

۱۷. کریمی، عباس، (۱۳۹۱)، "ادله اثبات دعوا"، چاپ سوم، انتشارات میزان، تهران.
۱۸. کریمی، عباس، (۱۳۸۸)، "ادله اثبات دعوا"، چاپ دوم، نشر بنیاد حقوقی ایران، تهران.
۱۹. متین دفتری، احمدف (۱۳۷۸)، "آیین دادرسی مدنی و بازرگانی"، جلد ۲، چاپ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران.
۲۰. مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۷ الف)، "ادله اثبات دعوی"، جلد ۲، چاپ چهارم، کتابخانه گنج و دانش، تهران.
۲۱. مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۷ ب)، "آیین دادرسی مدنی"، جلد ۲، چاپ اول، نشر پایدار، تهران.
۲۲. مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۸)، "آیین دادرسی کیفری"، چاپ اول، نشر پایدار، تهران.
۲۳. مدنی، سید جلال‌الدین و مهاجری علی، (۱۳۸۶)، "آیین دادرسی کیفری"، جلد ۱، چاپ سوم، ناشر فکر سازان، تهران.
۲۴. هدایتی، محمدعلی، (۱۳۴۲)، "آیین دادرسی کیفری"، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

ب - مقالات

۱. حسن‌زاده، مهدی، (۱۳۸۳)، اعتبار نظر کارشناس، اندیشه‌های حقوقی سال دوم، شماره ۷، صفحات ۱۵۱ - ۱۷۱.
۲. حسینی، سید یوسف، (۱۳۸۰)، حجیت نظر کارشناس، نشریه حقوق «حقوقی دادگستری»، شماره ۳۵، صفحات ۱۴۷ - ۱۶۴.
۳. خلعتبری، ارسلان، (۱۳۲۹)، کارشناس، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۸ و ۱۹، صفحات ۱۴ - ۱۸.
۴. میرزای، احمد، (۱۳۹۲)، بررسی فقهی حقوقی حجیت نظر کارشناس، بخش دوم.
۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲، صفحات ۳۱۷ - ۳۴۲.

ت - فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها

۱. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، چاپ اول از دوره‌ی جدید، جلد ۱۰، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. معین، م. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی، جلد ۲ و ۳، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳. عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم، انتشارات امیر کبیر، تهران.

ث - مجموعه قوانین و رویه قضایی

۱. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، (۱۳۷۴)، نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد ۱، انتشارات گنج دانش، تهران.
۲. قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷.
۳. قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱.
۴. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹.
۵. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸.
۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ به انضمام تغییرات قانون اساسی در سال ۱۳۳۸.
۷. لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸.

۸. متین دفتری، احمد، (۱۳۱۱ - ۱۳۳۵)، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، شامل آرای شعب و هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تهران، چاپ خانه هاشمی.
۹. دفتر تحقیقات و پژوهش‌های قضایی و واحد تهیه و تدوین متون آموزشی، (۱۳۸۱)، چاپ اول، تهران، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.

ج - سایت های اینترنتی

- 1- <http://iaunfiqh.blogfa.com/post/84/> سورانی، رضا. حجیت نظر کارشناس در فقه امامیه و حقوق موضوعه
- 2- <http://ferdose.mihanblog.com/post/266> بیراوند، شاهپور. کارشناسی در پرونده‌های قضایی.
- 3- <http://maavanews.dadiran.ir/Default.aspx?> دلوری، محمدرضا. نقش کارشناس در دیوان عدالت اداری.
- 4- <http://law2.blogfa.com/cat-4.aspx> ویلاگ تخصصی فقه و حقوق.
- 5- <http://www.aria-law.com/Data-View.aspx?lang=fa&id=4280> بخارائی، غلامرضا. (۱۳۸۹).

The principles of judging

Summery:

In laws and precepts related to judging for the verdict which the expert announces, there are rules the verdict credibility of the expert depends on, so the expert must observe being clear, acceptable, decisive, relevant to judging concord, about expert's verdict not being contrary with the conditions of incontestable and certain judging occasion, being complete, written, paying attention to standard space, not being doubtful, not being objector. The expert's verdict is on condition of its situations and in a special conditions judge does not accept the expert's verdict in a case that it would be illegal.

The nota bene 265 is not ecumenical rule, but the nota bene which was mentioned is one of the conditions of expert's verdict credibility. It means not being contrary with the conditions of incontestable and certain judging occasion, and it is necessary for determination of expert's verdict credibility. Besides of the nota bene which was told, the other nota benes and other rules must be payed attention.

Key words: communication, objection, aspects of rejection, expert's condition of verdict, the amount of expert's verdict credibility, expert's verdict.